

مفی دکلد را یوبان بپیمان آبیوس معروف سیاه بخدر بر تاج در لولوی  
هندی خوانند بر جزی به ده بق و بر دخی بلوط ای صوره چون بمغله و  
ابو خلسان نماندن بر نوعدر آبیار صوارجی اصفهانی بیت تا کنت  
نخم مهر یوباکر بعد از شد از چشمه خون جگر ایبار چشمه آبش کوی  
کوکلی آبش کوی نوزد یک ایک لذن اولور آیه صافی معنای آبی  
ایوه و اوریک و صوید منسوب دیک انش اسمان شمشک انش و دان  
دان او جن انش برست اوره طابوخی عریجه نیوی دیلر انق زده  
چشمه انش که می سیار کلیسا سی انش پاره بلدر قوردی و فغلم و  
بلدر رنسته انش که بر طوق انش ایکنز انش که چشمه انش از اود  
ایله اوخی و بلدرم آنتیاب کفنی و کفنی انش که انش کاو  
کوسکی انش سوم طوار ای طاشند طوقوب چشمه انش در انش هم  
انککه معنی انککه ها انشی غضبناک کسند و انش منسوب دیکلد راج  
الغوف غلجی در آچار هر بنسند ناک طروقی و صوغان تر شیبه در آبی  
کورد و طولیله آچار سقطا ولوب بیانه اتن نسته آحال و در شکن  
و ضعیف آحق مصدر صیغه سیدر بر باد شاهک اسمیدر و ابلیع معنی  
آفتد اسم مفعول صیغه می در پشه جکاش نسته و انش ات و  
او کوش آت آخر قورته و حوض آخرفاری در قریض و قیج و قیبه  
مقامده استعمال اولور نده کم حضرت شیخ سعید پور مشد ر بیت  
عشق بازی نه من آخر بپیمان آوردم یعنی عشق بازی جهاد بن کوریک  
آخر دیکلد و بلش حال بویلد دیکلد و ترکیه دخی استعمال اولور  
تو از انی کل انی در لولوی بیت را هم ردی و لطف نمودی بد لوی  
آخر چه شد که از سر من باز کشند آخویان متلع خاند و یون یوش  
بلین کف آخند قبونک الت اشکی انش قیمت انش و زنده استعمال

دختر

اولور آخنج ضد معنایند و غنا جراحی بر بیک ضدی و لغد لولوی  
اولور شمس محوی بیت عالم از عدل بواحق شمشک انچنان که جهان سخا  
بمکف و کوی آخنج احتیجان و دشمن معنایند مدله و مدسز اما  
مدله اصدر اجسام نامه دن اولور غندن اولور جمعی الف و یون ایله  
کلری نه کم قواعد باینده بیان اولور در خندان جوی جانور در آخور  
طوار یابوب طوره جوی به در لر ویم بیه جک بر حوض اولور به معنایند  
آخر نیاید معنایند دیوار مهر سی و شول نسنده در کد بلجی فالس قاب  
کسر مثله کویج کوی و انکله دیوار میار و بلخود قالب ایچند دو کوی کوی  
در لر و لکون معنایند آخیز کوی بلجی یعنی بلجی آخسه سور یعنی کوی  
آخر جش صاعقه بیت رود کسی نیا شوزین نام پس شکفی اگر بر مایباد  
آخر جش و شول صوقله ادھی هله ان ایدر آذر نیک دمار هله کشتک  
و غم مشکل و مصیبت بزرگ آدم کفی و ابوالشیر عبد السلام یعنی آدم بیغی ک  
اسمیدر بلجیون در بنیله ادم او غنلاری دیو عمر بیدر بلخود لغت سر باینده  
ادخی بقادای کلو واده منسوب دیکلد در اولور ایدر روم بلزین  
مارش دیکله مشهور در آذر معنایند و این طوق زنجی کوی اذر بزین  
اود انش معنایند و حق تعالی نیک آسماندر و صاعقه و درفش انش  
آسمان و زمستانک لری ای و بعضی لغتد خزانک لری بیدر دیو تصحیح او انش  
آذر بزین بر بلندا انش گاه در آذر یون م و کل شخه و مر سبن و حلی اذرم  
بر او در کد نکلستی یکی پاره اولور و زین زمین معنایند آذر ماه اورتبه  
کوز ای اذرن قید اذرن قید لور کد بو ایچ او زرنده و کیدر لر دخی انکله  
شهری بز لر اذرن مثل یعنی شول ایشدر که نوروز کوننده عیج دیوانه  
شهر لوده ایدر رو حکا کدن بوی شهر کلسند اینه کلوی ایش در کد کوشکل  
ده لور اول کوشکلره اذرن در لر بیت زماندرا بنون بسند اندرین